

بایسته‌های مترجم

سید ابراهیم سجادی

این مقاله به دغدغه ناظر به تأمین سلامت معنی در ترجمه و به خصوص ترجمه قرآن نگاهی دارد و در آن نیاز به ترجمه، رویکرد معنی‌گرایانه، ترجمه تفسیری، اهمیت برابری معنایی در ترجمه و بایدها و نبایدهای مربوط به انتقال درست معنی توضیح داده می‌شود، پیش‌نیازها و بایدها و نبایدهای بایسته رعایت مترجم در چهار محور ارائه داده شده است: در محور متن‌شناسی، خودسانسوری فرهنگی مترجم، قلمداد متن به عنوان واحد ترجمه، شناخت زبان عربی و آشنایی با دانشهایی مربوط به این زبان، آشنایی با علوم قرآنی، توجه به پیوستگی معنایی آیات، سنت‌شناسی و موضوع‌شناسی در معرض مطالعه قرار می‌گیرد. تخصص در زبان مقصد و راز و رمز پیشنهاد آن به عنوان مهمترین شرط، محور دوم شناخته شده است، توانائی تخصصی مترجم در تئوری‌شناسی و تجربه عملی ترجمه و نویسندگی نام‌سومین محور را به خود اختصاص می‌دهد، تعامل جمعی که مشارکت افراد و تخصصهای لازم را در آفرینش ترجمه در خور، پیشنهاد می‌کند، آخرین شرط معرفی می‌گردد، در نهایت از عدم وفاداری ترجمه‌های موجود به دلیل بی‌توجهی به باید در انتقال مؤثر معانی گفته و نا گفته (ولی القائده) آیات هم‌یادی به عمل می‌آورد.

واژه‌های کلیدی

قرآن، ترجمه، سنت، زبان فارسی، شرایط مترجم، موضوع‌شناسی، معنی، ترجمه تفسیری، پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بی، آشنایی زدایی، غرابت زدایی، سبک‌شناسی، متن‌شناسی، واحد ترجمه، تناسب آیات، جاحظ، بوجین نایدا، سیسرو، جروم

دو سخن آغازین

احساس نیاز به ترجمه و مترجم از گذشته‌های بسیار دور بشر را همراهی کرده است. روزی که زمینه تلاقی زبانها و گویشهای متفاوت فراهم آمد، ضرورت استفاده از این ابزار تفاهم مورد توجه قرار گرفت.

سخن اول

(دغدغه زدایی از مخاطبان ترجمه)

این گونه‌ای از بازخوانی از همان نخستین روزهای پیدایشش، گذر گاهی تلقی می‌شد که نبایدهای نهفته در آن سلامت معنی را، موقع عبور، در معرض خطر قرار می‌داد.

اسکندر مقدونی موقع عقب نشینی از هند (۳۲۳ قبل از میلاد) در حوزه تجمع فلاسفه که به «خانه خرد» معروف بود، باده تن فیلسوف که شورشهای ضد او را رهبری نمی‌کردند، (۱) رو به رو گردید و تصمیم گرفت از طریق مترجم با آنها گفت و گو نماید.

راهبان هندی در مورد مترجمان اسکندر که سخنان آنها را ترجمه می‌کردند، گفتند: «تلاش برای تشریح نظریات مکتبی و فلسفی از طریق این صافی، به مثابه آن است که انتظار داشته باشیم آب از جوی گل بگذرد و همچنان خالص و پالوده باقی بماند.» (۲)

بدگمانی نسبت به امانتداری و وفاداری ترجمه، دانشمندان را بر دین واداشت که با کشف بایدها و نبایدهای فن ترجمه، میزان آلایندهی این کانال ارتباطگیری را، کاهش دهند. گویا پیشنهاد دو روش ترجمه «کلمه در برابر کلمه» و «معنی در برابر معنی» در حوزه فرا اسلامی هر کدام با این ادعا صورت گرفت که می‌تواند سلامت معنی را تامین کند.

مترجمان کلیمی معاصر سیسرون پیش از میلاد مسیح تصور می‌کردند که تنها از طریق ترجمه واژه به واژه، خلق تصویر کاملی از متن میسر است ولی سیسرون ترجمه کلمه به کلمه را کار عبث می‌دانست و از معنی‌گرایی حمایت می‌کرد. (۳)

جروم (اوسیبوس هیرونوموس ۳۴۷ - ۴۱۹ م) نیز بر اصل ترجمه معنا به معنا تأکید داشته و آن را اصل رایج در سیره مترجمان پیش از خود می‌شناخت و به قصد قناعت آفرینی بیشتر در ضمیر مخاطبانش نسبت به این رویکرد می‌گفت:

«در مقدمه شرح احوال قدیس آنتونیوس مصری آمده است:

بدان که ترجمه لفظ به لفظ از هر زبان به زبان دیگر همچون پرده‌ای، معنای اصلی را پوشیده می‌دارد. بدان گون که خرمی گیاه و علف راه بر رشد میوه، می‌بندد. طرز بیان، به دقایق نحوی و اشارات و استعارات وابسته است و این همه آنگاه که در ترجمه راه می‌یابد، بناچار آنچه را که به چند لفظ محدود بیان می‌شد، با اطناب ملال آور بازگو می‌کند. من کوشیده‌ام تا در ترجمه احوال آنتونیوس مقدس از این عیب، پرهیز کنم. ترجمه من اگر چه لفظ به لفظ نیست معنا را در آن حفظ کرده‌ام، دیگران شاید که به جستجوی هر هجا و هر لفظ در برابر لفظی و هجایی باشند لیک من تنها به جوهر متن نظر داشته‌ام.

هیلاریوس خستوان وقتی پاره‌ای از مواظظ ایوب و نرامیر داود را از یونانی به لاتین ترجمه می‌کرد خود را به ملال ترجمه لفظ به لفظ گرفتار نکرد و پرهیز داشت از این که موشکافی بیهوده در الفاظ، بندی بر پایش بگذارد پس چون سردار فاتح متن اصلی را همچون اسیری به قلمرو زبا مادری خود کشاند.

باری بیاد آوریم که هفتاد مترجم اسکندرانی و نویسندگان اناجیل در کار کتب مقدس به همین راه رفته‌اند دیگر جای شگفتی نیست اگر نویسندگان متون مذهبی و غیر مذهبی این روش را در ترجمه اختیار کنند» (۴)

آنچه در عهد باستان اتفاق افتاد به شکل‌گیری ساده، دو روش لفظ‌گرایی و معناگرایی در باب ترجمه خلاصه نمی‌شد بلکه همزمان سنگ بنای استراتژی غرابت زدایی و آشنایی زدایی و رویکرد کارکرد گرایی نیز گذاشته شد. در سخنان به جا مانده از مترجمان آن دوره، توجه به وضعیت فرهنگی زیبا مبدأ و زبان مقصد و چگونگی عکس‌العمل حس زیبا شناختی و عاطفی خوانندگان ترجمه، نیز به وضوح قابل مطالعه است. از باب نمونه در سخنانی از سیسرون می‌خوانیم:

«من در کاری که پیش گرفته‌ام... معنا را نگاه داشته‌ام اما قالب را دگرگون کرده‌ام و در جای استعارات و الفاظ یونانی آنچه که با شیوه گفتاری ما سازگار است، نشانده‌ام.

ترجمه لفظ به لفظ را ضروری ندیدم و سبک کلی را باز آفریدم... همه فضیلت‌های متن اصلی یعنی آن احساس و استعارات و نظم پاره‌های مختلف را در نظر داشته‌ام اما رعایت الفاظ تا آنجا پیش نظر بوده که با پسند و عادت ما ناسازگار نباشد» (۵)

بگو مگو‌هایی که باید‌ها و نباید‌های ترجمه را در رعایت دو روش اصلی: «غرابت زدایی»، «آشنا زدایی» جستجو می‌کرد، تا قرن هفده ادامه پیدا کرد. در اواخر قرن هفده آیین نامه‌ای توسط جان درایدن و جان دنهام تهیه دیده شد که سرآغاز پیدایش نظریه در ترجمه به حساب آمد. (۶)

نظریه سازی که معرفی هدف، توضیح عناوین کلیدی، بیان گونه‌های مختلف متن... را در ضمن داشت، باید‌ها و نباید‌های ترجمه را به صورت عینی‌تر و در خور فهم‌تر، در معرض تشخیص مترجم قرار می‌داد. بدین وسیله شناسایی پیش‌زمینه‌های ترجمه امکان‌پذیر می‌گردد. به عنوان نمونه «کاتاریناریس» آلمانی (۱۹۷۱ م) درباره گونه‌های متون قابل ترجمه و باید‌های مترجم ملزم به رعایت آن است، می‌گوید:

[متون سه نوع‌اند] «متون اطلاع‌رسانی، متون احساسی و متون کنشی کارکرد اصلی متون نوع اول، اطلاع‌رسانی است. در ترجمه متون (کتب مرجع، نامه‌های اداری، اسناد رسمی و مقالات دانشگاهی) مترجم باید به محتوا وفادار باشد ولی از جهت سبک، معیارهای غالب در فرهنگ مقصد را مبنای کار قرار دهد. در متون احساسی عنصر زیبا شناختی غالب است و ویژگی‌های سبکی جزء از معنای متون به شمار می‌آید زیرا تأثیر زیبا شناختی در خواننده ایجاد می‌کند مترجم باید کارکرد غالب این نوع متون را در ترجمه لفظ کند... در متون کنشی هدف نویسنده آن است که خواننده را ترغیب کرده و او را به انجام کاری خاص وا دارد. در این متون محتوا و صورت تابع تأثیری است که قرار است متن در خواننده ایجاد کند. در ترجمه این نوع متن مترجم باید زبان را

طوری به کار گیرد که ترجمه واکنش مشابه متن اصلی در خواننده ایجاد کند. برای دستیابی به این هدف گاه لازم می‌شود مترجم محتوا و یا ویژگی‌های سبکی متن اصلی را تغییر دهد» (۷). نمونه دیگر، گفته‌های «لارنس ونوسی» است که پس از تقسیم روشهای به کار گرفته شده توسط مترجمین در طول تاریخ به «غرابت زدایی» و «آشنا زدایی» ادعا دارد که روش اول غالباً در مورد متون فنی و روش دوم در زمینه متون ادبی کاربرد دارد که هدف ترجمه آنها انتقال تأثیرات زباین است.

در روش غرابت زدایی ترجمه بر اساس ارزشهای غالب در فرهنگ خودی صورت می‌گیرد و مترجم چندان تصرف می‌کند تا متن با اصول سیاسی و ارزشهای فرهنگ خودی سازگار شود. لارنس ونوسی روش آشنایزدایی را نیز کمک به فرهنگ خودی می‌شناسد زیرا مترجم با کار ترجمه راهی نو می‌گشاید و ارزشهای جدیدی ایجاد می‌کند و غنای فرهنگی در عرصه فرهنگ خودی به وجود می‌آورد. (۸)

هانس ورمیر (از شاگردان کاتاریناریس) نیز هدف ترجمه را خدمت به فرهنگ مقصد می‌دانست و می‌گفت ترجمه اساساً نوعی انتقال بین دو فرهنگ است و لذا مترجم باید نه فقط صاحب دو زبان بلکه صاحب دو فرهنگ باشد و بر دو عامل عمده تکیه کند: فرهنگ مخاطبان ترجمه و نقشی که قرار است ترجمه در فرهنگ مقصد ایفا کند. (۹)

اهتمام به معنی متن و توجه به فرهنگ خوانندگان ترجمه در دیدگاه یوجین نایدا (زبان‌شناسی آمریکایی) به اوج خود رسید که می‌گفت: صورت وسیله و در خدمت پیام است و در صورت نیاز می‌شود آن را کم و زیاد یا حذف کرد تا پیام مفهوم گردد. اگر در متن مبدأ سفیدی چیزی به سفیدی برف تشبیه شده و خواننده متن ترجمه با سفیدی برف آشنا نیست، باید به سفیدی پنبه تشبیه شود. (۱۰)

دو. سلامت معنی در نگاه قرآن پژوهان

اما در جامه اسلامی بایدها و بایدهای ترجمه، با شتاب بیشتر و احساس نیاز عمیق‌تر، مورد توجه قرار گرفت. ماهیت جهانی و دانش محوری اسلام، در آغاز شکل‌گیری جامعه دینی، زبانهای مختلف را کنار هم قرار داد. تفاهم در چنین جامعه‌ای، بدون ترجمه، امکان‌پذیر نمی‌نمود.

ولی نهضت ترجمه مکتوب از زبان یونانی و سریانی به زبان عربی زمانی راه افتاد که با فتح شام و ایران، مسلمانان با کتابخانه‌های این دو کشور رو به رو شدند. عطش دانش‌طلبی و نیاز به ترجمه بی‌درنگ گره زیادی را به فراگیری زبان یونانی وا داشت. ۱/۱۱ در سال ۱۸۰ ق دار الحکمه تاسیس سه تا آثار مهم را از زبان یونانی سریانی و پهلوی ترجمه کند. ۲/۱۱

در کنار کار ترجمه، نیاز به صورت واضح در معرض استفاده مترجمین قرار گیرد. جاحظ (۲۵۵) - ۱۵۰ هـ) از نخستین کسانی است که به مطالعه ترجمه به عنوان یک موضوع پرداخت و مشکلات ترجمه متون مختلف به مشمول قرآن و شرایط مترجم را مطرح کرد. (۱۱) صفدی (صلاح الدین خلیل بن ایبک متوفای ۷۶۴ هـ) (طبق نقل شیخ بهایی) دو روش به کار گرفته شده توسط مترجمین در مقاطع مختلف تاریخی تا زمان خودش را به نقد و ارزیابی نشست و رویکرد به معنی بایسته ترجمه شمرد:

«ترجمه دو روش دارد: یکی روش یوحنا و ابن بطریق و ابن ناعمه حمصی و آن این که هر کلمه‌ای از کلمات متن اصلی در نظر گرفته شود تا لفظی دیگر که مرادف آن است آورده شود سپس به کلمه دیگر به همین نحو پرداخته شود تا جمله‌ای که ترجمه می‌شود به پایان برسد. این روش ناپسندی است به دو دلیل:

۱ - گاه در زبان دوم لفظی که کاملاً معادل لفظ موجود در متن اصلی باشد پیدا نمی‌شود. از این رو، احتیاج سبب می‌شود که مان لفظ زبان اصلی در ترجمه آورده شود بدون آن که امکان تغییر آن وجود داشته باشد. از این جاست که الفاظ بیگانه یونانی در اصطلاحات علوم که به عربی ترجمه شده فراوان است.

۲ - خواص ترکیب و نسبت‌های کلامی در اسناد خبری و سایر انشاهای مجاز و استعاره و مانند آنها در زبان‌های گوناگون، با یکدیگر اختلاف دارند و در تعبیر یکی نیستند بنابراین ترجمه تحت اللفظی گاهی در رساندن اصل مراد خلل به وجود می‌آورد.

روش دوم روش حنین ابن اسحاق (متوفای ۲۳۴ هـ) (و جوهری) متوفای ۳۹۸ هـ) است و آن این است که مترجم تمام جمله را در نظر بگیرد و معنای آن را در ذهن خود مشخص سازد و آن گاه در زبان دوم جمله‌ای بسازد که در رساندن آن معنی همانند جمله متن اصلی باشد، خواه الفاظ مساوی باشد یا نه و این روش بهتر است» (۱۲)

جاحظ ضمن بیان شرایط مترجم و ترجمه در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف فلسفی، علمی و ادبی، پیچ و خمها و لغزشگاه‌های ترجمه متون دینی - و قرآن و سنت - را نیز به صورت فشرده و ژرف نگرانه، مطرح می‌کند و پس از مرور بر بایدهای ترجمه در این زمینه می‌گوید:

«و متى لم يعرف ذلك المترجم اخطاء في تأويل كلام الدين و الخطاء في الدين اضر من الخطا في الرياضه و الصناعه و الفلسفه و الكميا و في بعض المعيشه التي يعيشت بها بنو آدم» (۱۳)

هرگاه مترجم آگاهی‌های یاد شده را نداشته باشد، در مسیر تأویل، بی‌راه می‌رود و اشتباه در دین زیانبارتر است از اشتباه در ریاضیات، دانش مربوط به صنایع، شیمی، فلسفه و پاره‌ای از مسایل معیشتی مبتلا به انسان.

ابن فارس (متوفای ۳۹۵ ق) با استناد به سخن بعضی دانشمندان و تأکید بر اعجاز بیانی قرآن، این واقعیت را به صورت روشن بازگو کرده است که معانی نهفته در ترکیب جمله‌های قرآنی که با کنایه، تمثیل، استعاره... در معرض درک و فهم خواننده قرار می‌گیرد، در قالب‌های ساخته شده در زبانهای دیگر با معادل‌گزینی قابل ترجمه نمی‌باشد. (۱۴)

«بعضی از دانشمندان ما با توجه به استفاده قرآن از استعاره، تمثیل، قلب، تقدیم، تأخیر و سایر قواعد عربی می‌گویند هیچ مترجمی توان ترجمه آن را به زبانهای دیگر ندارد... زیرا زبانهای دیگر در مجازگویی ظرافت زبان عربی را ندارد. ببین! اگر بخواهی آیه «و اما تخافن من قوم خیانة فانبذ الیهم علی سواء» انفال ۵۸ را ترجمه کنی، نمی‌توانی با الفاظ معادل این کلمات معانی نهفته در آیه را منتقل کنی! مگر این که وسعتی پدید آوری و کلمات ناپیوسته را بهم پیوند دهی و واژه‌های ناپیدای آیه را آشکار سازی و بگویی:

«اگر از قوی که بین تو و آنها پیمان و قرار دادی منعقد شده است، ترسیدی که به تعهدشان پشت پا بزنی و خیانت پیشه سازد، اول به اطلاع آنها برسان که بعد از این به شرط و تعهدت پای بندی نشان نمی‌دهی، با آنها اعلان جنگ کن تا با آنها در آگاهی از نقض قرار داد و پیمان یکسان باش» (۱۵)

ابن فارس ضمن ناممکن دانستن ترجمه معانی تبعی و بلاغی آیات با قالبهای زبانی برابر و مساوی با قرآن از نظر حروف و کلمات، اشاره به ترجمه معنا گرایانه نسبتاً و آزاد، نیز دارد که متوقف بر توانمندی‌های معرفتی است که هر مترجمی توان دستیابی بدانها را ندارد، به همین دلیل مترجمان قرن چهارم هجری علی رغم کسب اجازه ترجمه قرآن از فقهای ماوراء النهر، وقتی در برابر آیات قرآن قرار گرفتند، احساس عجز کردند از این که معجزه الهی را با زبان دیگر بازگو کنند و خود را ناگزیر یافتند از این که از رساندن پیام قرآن چشم‌پوشند و به یافتن معادل برای واژه‌های قرآنی بسنده کنند. این روش، فراگیر گردید و دوازده قرآن، تداوم پیدا کرد. (۱۶)

شاطبی (متوفای ۷۹۰ ق) (۱۷) و جرجانی (۱۸) (متوفای ۸۱۶ ق) که از معانی بلاغی قرآن به معنی دوم و معنی معنی تعبیر می‌کنند، وقتی از ترجمه‌پذیر معنی اول (یعنی معانی کلماتی که عناصر اصلی جمله را تشکیل می‌دهد) و عدم امکان ترجمه معنی دوم سخن می‌گویند نیز مقصودشان ترجمه کلمه به کلمه است و نه ترجمی معنی گرایانه!

بدین ترتیب نظریه پردازان ترجمه قرآن در گذشته پیشنهاد ترجمه تحت اللفظی را با هدفگیری محدود و توجه به پیش زمینه‌های نه چندان سنگین، قابل قبول می‌دانستند ولی پژوهشگران قرن اخیر با نگاه نقادانه به این گونه‌ای از ترجمه نگریسته و تحول بایسته و در خور شأن قرآن را در حوزه ترجمه مورد تأکید قرار داده‌اند.

پروفسور و اسم محمد علی) مترجم قرآن به زبان آذری (ترجمه تحت اللفظی را سبب نامفهومی قرآن و بی احترامی نسبت به آن می‌داند. (۱۹) رشید رضا) صاحب تفسیر المنار) از تحریف زایی، فساد آفرینی و ممنوعیت این گونه ترجمه سخن می‌گوید. (۲۰) آقای مصطفوی (نویسنده «التحقیق فی کلمات القرآن») این نوع ترجمه را توهین به قرآن می‌شناسد (۲۱) و استاد معرفت می‌گوید:

«... ترجمه تحت اللفظی بدترین نوع ترجمه است و غالباً موجب تشویش در فهم مقصود و کج فهمی معنی و بسا باعث خیانت در امانت کلام می‌شود» ۱/۲۳

از رویکرد جدیدی که در رابطه با ترجمه قرآن مطرح شده و می‌خواهد با ایجاد برابری معنایی پیام قرآن را به صورت کامل و همه جانبه‌تر، در معرض مطالعه خوانند ترجمه قرار دهد، به عنوان «تفسیر موجز» ۲/۲۳، «خلاصه التفاسیر» ۳/۲۳ و ترجمه تفسیری نام برده شده و در تعریف آن آمده است:

«مترجم معتقد به ترجمه تفسیری به معنی مورد دلالت ترکیب و جمله بندی اصل (متن) توجه دارد، آن را پس از فهم و درک درست در قالب زبانی دیگری که قادر به افاده معنی مورد نظر پدید آورنده اصل است؛ می‌گنجاند، بدون این که خود را ملزم بداند به توقف و درنگ نزد هر کلمه‌ای و آوردن. (۲۲) بدیلی به جای آن»

این نامگذاری هم ریشه لغوی دارد و هم یادآور یک ضرورت قرآنی و انسانی می‌نماید. بسیاری از نویسندگان فرهنگ لغات، (۲۳) ترجمه را معادل تفسیر قلمداد نموده‌اند که شفاف سازی و ارائه بی پیرایه، مراد گوینده در معنی آن نهفته می‌باشد. از جانبی قرآن کتاب هدایت و عمل است، آموزه‌ها و تعالیم آن به هر اندازه که دقیق‌تر و واضح‌تر مطرح گردد، نقش برجسته‌تر و جدی‌تری در رستگاری و سعادت‌مندی انسان ایفا می‌کند، از سویی علی‌رغم این که زبان قرآن عربی است، مخاطب آن همه انسانها می‌باشد، بنابراین هر انسانی حق دارد که به مفاهیم قرآنی دست رسی داشته باشد، با توجه به چنین حقی، از منظر خود قرآن، همانگونه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله موظف بود که آیات الهی را برای مردم به صورت روش بیان کند (نحل / ۴۴)، تمام کسانی که کتب آسمانی در اختیارشان قرار می‌گیرد نیز وظیفه تبیین آن را دارند.

«و اذا اخذ الله ميثاق الذين اوتوا الكتاب لتبيننه للناس» (آل عمران / ۱۸۷)

و آنگاه که خداوند پیمان گرفت از کسانی که بدانها کتاب داده شده تا آن را به صورت روش برای مردم بیان کنند.

از این رو شخصیت‌های چون آیت الله خوئی، (۲۴) آیت الله کاشف الغطا (۲۵) و زمخشری (۲۶) و رشید رضا (۲۷) از ضرورت و وجوب ترجمه قرآن سخن می‌گویند و در صدر اسلام نیز وقتی سلمان فارسی از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضا کرد که به وی اجازه دهد تا قرآن را به فارسی

ترجمه کند، بی درنگ به دریافت اجازه نایل آمده و به کار ترجمه دست یازید به‌ای صورت که قرآن را می‌نوشت و ترجمه فارسی را زیر آن قرار می‌داد. (۲۸)

بایدها و بایسته‌ها (۲۹)

بی تردید در ترجمه تفسیری معنا محوریت دارد، تمام مطالعات موضوع ترجمه با توجه به آن و به قصد انتقال آن صورت می‌گیرد. ارزیابی واقع‌بینانه و پیشنهاد کار آمد، در مورد پیش زمینه‌ها و پیش نیازهای ترجمه تفسیری قرآن نیز زمانی میسر است که معنای قابل انتقال به وسیله این نوع ترجمه را معنی‌شناسی کنیم و دایره و گستره آن را بدانیم. این مهم با دقت در نکات زیر قابل احراز می‌نماید!

یک. ترجمه معنی‌گرا به طور کلی، در کنار فکر و اندیشه نویسنده به سبک او نیز توجه دارد که در اصطلاح عبارت است از: «روش یا شیوه خاصی که شاعر یا نویسنده. برای بیان مطالب و افکار خود اختیار می‌کند که عبارت است از طرز جمله بندی و استعمال الفاظ و ترکیبات و چگونگی تعبیر و بیان مضامین» (۱/۳۱) - و ویژگیهای سبکی را جزء معنای متون می‌شناسد. ۲/۳۱

سبک، کارکرد روان شناختی دارد. نویسنده با قدرت تخیل و آفرینش معانی کنایی، تمثیلی، مجازی و... می‌خواهد احساسات خواننده را برانگیزد و او را در احساس شادی و یا اندوه و نفرت غرق کند. مترجم تصمیم می‌گیرد که با درک و به کارگیری مهارت تخیلی، بر اساس برخورداری تمام انسانها از احساسهای جسمی و روحی (و درکهای فطری) مشترک، بازتاب عاطفی و احساسی مشابه را در خوانندگان ترجمه نیز مشاهده کند. (۳۰)

با توجه به اجتناب ناپذیری همخوانی سبک در ترجمه و متن اصلی، «روژه کایوا» درباره ترجمه امین می‌گوید:

«ترجمه خوب... عبارت است از ابداع متنی (اعم از واژگان، جمله بندی و سبک) که نویسنده اگر زبان مادریش همان زبان مترجم می‌بود، آن را می‌نوشت. چنین ترجمه‌ای مستلزم دانش و هوش و تخیل بسیار است.» (۳۱)

سخن «فان ذونگ ینگ» نیز در این رابطه خواندنی است که درباره ترجمه‌های خالی از روح و اثر گذاری می‌گوید: «این گونه ترجمه‌های متون ادبی... مثل آن است که ماهی بزرگی را بخوبی طبخ و ادویه و سس خوشمزه به آن اضافه کند، اما قبل از آنکه آنرا بر سه سفره ببرید، ناگهان به درون آب بیفتد! اندازه ماهی تغییر نمی‌کند اما طعم و مزه آن بکلی از بین می‌رود، این ماهی دیگر آن ماهی اول نیست و کسی میل خوردن آن را ندارد، به اعتقاد من چنین ترجمه‌هایی خواننده را ناامید می‌کند و ظلمی در حق نویسنده است» (۳۲)

در حوزه متون دینی به خصوص قرآن کار ترجمه پیچیده‌تر می‌شود زیرا این متون که از نظر سبک معجزه آسمانی است تنها بار عاطفی و احساسی ندارد بلکه بر عقل و جان نیز باید سیطره پیدا کند. از این رو متفکران و مترجمان معاصر، ترجمه متون دینی را شبیه به انتقال کلی از رستگارش دانسته‌اند که ممکن است خشک گردد و بوی خود را از دست بدهد. (۳۳)

دو. قرآن در عرصه‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و هدایت بایسته زندگی به سوی سعادت ابدی، علی‌رغم محدودیت حجم، بار معنایی نامتناهی را با خود حمل می‌کند، در عین حال ادعا دارد که دلالت ظاهری الفاظ که روزنه‌ای را به سوی متون ژرف می‌گشاید، با قدرت الهی، بسیار ساده و آسان صورت می‌گیرد: «و لقد یسّرنا القرآن للذکر» قمر / ۱۷ و ۲۲ و ۳۲، چنین واقعیتی، این دغدغه را همراه دارد که اگر ظرفیت سازی انسان جایگزین ظرفیت سازی خدا گردد، آیا مظروف همانی است که در ظرف زبان اول گنجانده شده بود! (۳۴) مخصوصاً با توجه به این که قدرت تبیینی زبان عربی را سایر زبانها ندارد. طبق روایتی، امام باقر (یا امام صادق) (ع) زیر جواب سوال از آیه: «بلسان عربی مبین» شعرا / ۱۹۵، فرمود:

یبین الالس و لا تبینه الالس (۳۵)

زبان عربی محتوای تمام زبانها را توضیح می‌دهد ولی دیگر زبانها قادر به تشریح محتوای آن نمی‌باشد.

سه. طرفداران ترجمه تفسیری و معنایی، اصرار دارند که «ترجمه به تمام ابعاد معنای مقصود در زبان اصلی وفادار باشد و حتی نکات و دقایق سخن را که به نحوی با اصل مقصود پیوند دارد همچون کنایه، تعریض، جملات حزن آور و حرتبار و مانند اینها را در بر گیرد» (۳۶)

چهار، ترجمه این ادعای ضمنی را دارد که بی تردید تمام معانی و مقاصدی را که در زبان ترجمه گنجانده است مورد دلالت متن اصلی و مراد پدید آورنده آن می‌باشد (۳۷)، در صورتی که تهدید قرآن مترجمان را نیز شامل است که می‌گوید:

«ولو تقول علينا بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین فما منکم عنه حاجرین»

الحاقه / ۴۴-۴۷

و هرگاه او بعض سخنان را به ما نسبت می‌داد، بی تردید قدرتش را زایل می‌کردیم سپس رگ دل او را می‌بریدیم پس هیچ کس از شما نمی‌توانست عذاب را از او بر دارد.

بایدها و بایسته‌ها

توجه به نکات فوق، بایستی حس مسؤولیت عمیقی را - که منشأ وفاداری، رعایت امانت و آهنگ هدایت انسانهاست - در مترجم به وجود آورد. چنین احساسی، وی را بر این وا می‌دارد که برای ورود به عرصه پر پیچ و خم ترجمه قرآن، میزان توانمندیش را در شناخت متن، شناخت تقاضاها و

نیازهای فرهنگی مخاطبان کلام خداوند شناخت فرهنگ و زبان خوانندگان ترجمه و آفرینش هنر مکتوب، به ارزیابی بنشینند.

؟؟ و عناوین فوق در حقیقت سازنده محورهای اساسی دسته بندی پیش نیازها و پیش زمینه‌های (یا شرایط) ترجمه قرآن را تشکیل می‌دهد و شایسته می‌نماید که هر کدام با بایدهای تحت پوشش خود در فصل جداگانه‌ای مورد مطالعه قرار گیرد.

یک متن‌شناسی

متن مورد ترجمه در پی این است که با استفاده از بستر فرهنگ، قالب زبانی و سبک ادبی ویژه‌ای، پیام علمی، تاریخی، ادبی و... را در اختیار مخاطبان خود قرار دهد، مترجم می‌خواهد با عمل ترجمه صادقانه، به تعداد دریافت کنندگان پیام و تاثیرات متن بیفزاید، بنابراین ناگزیر است که با حفظ بی طرفی به چند نوع کار موفقیت زا همت گمارد.

۱-۱ خود سانسوری) سر آغاز مطالعات متن شناختی)

اصل صداقت و بی طرفی کلید ورود به حوزه معنایی متن مورد ترجمه است. مترجم با روان کاوی خودشناسانه، می‌تواند به شایستگی اخلاقی خود بی پرده و از ارتکاب جور و ستمی در حق پدید آورنده اثر پیش‌گیری کند!

مترجم چونان هر انسان دیگری، در دام فرهنگ و معانی زبان مادری، گرایشها و باورهای خود اسیر است، گرایشهای عقیدتی تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، حس خود بزرگ بینی و خود کم بینی، ممکن است بر واژه‌ها و جمله‌های گفتاری و نوشتاری وی سایه افکند. (۳۸)

یوجین ناید تحت عنوان شرط صداقت، گونه‌های مختلف تصرف ناروا را در معنی، به تصرف عمدی و تصرفی که زایده خصلتهای ناآگاهانه مترجم است - و از راههای دزدانه و ظاهراً معصومانه بر کار او اثر می‌گذارد -

تقسیم نموده می‌گوید:

«در عین حال هیچ مترجمی ماشین نیست و به این دلیل هر مترجمی رنگی از شخصیت خود را بر ترجمه‌اش می‌زند. حال که چنین است مترجم باید با آنچه در توان دارد بکوشد تا هر گونه تصرفی را که با نیست نویسنده و منظور پیام هماهنگ نیست از کار خود دور نگاه دارد» (۳۹)

نامبرده به قصد تذکر آسیب پذیری بیشتر ترجمه متون دینی در برابر این خطر می‌گوید:

«میزان مخاطرات ذهنی در ترجمه مستقیماً متناسب است بادرگیری بالقوه عاطفی مترجم در پیام، چنین درگیر شدنی، در مورد متنها یعملی معمولاً بسیار اندک است اما در متنهای مذهبی چه بسا بسیار شدید باشد زیرا مذهب با ژرفترین و جامعترین نظامهای ارزشی سرو کار دارد» (۴۰)

تصرف دلخواهی) و نه حقیقت گرایانه (در معنی آیات قرآن، از قبل، پیشینی شده است. قالب کردن تلقی، باور و پندار خود به عنوان سخن خداوند که به عنوان تفسیر به رأی و گناه نابخشودنی در لسان روایات آمده است هم متوجه مفسر است. و هم هشدار می‌دهد به مترجم امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانش و از رسول خدا می‌گوید خداوند فرمود: «ما آمن بی من فسّر برأیه کلامی» (۴۱) به من ایمان نیآورده است هر که سخن مرا دلخواهی تفسیر کند.

علی‌رغم هشدارهای از این دست، کم نیست در تفاسیر و ترجمه‌ها، مواردی که باورها و گرایشها مغرضانه یا ناآگاهانه عنوان سخن خدا را به خود گرفته است، تئوری سازانی هم بر مشروعیت این نوع پیرایه سازی مهر تأیید زده‌اند. شاهفور اسفراینی در مقدمه کتابش می‌گوید: ترجمه‌ای ارائه دهم که بر طریقت اهل سنت و جماعت باشد. (۴۲)

نام برده موقع ترجمه آیه: «یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلوٰۃ فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق و امسحوا برءوسکم و ارجلکم الی الکعبین» مائده ۶، می‌گوید. (۴۳) می‌کشید بر سرهای خویش و بشویید پایها تا دو کعب و اگر موزه باشید پوشیده مسح کنید. موزه نویسنده دیگری می‌گوید:

«یک مسلمان نمی‌تواند و نباید از اعتقادات پذیرفته شده در مذهب خود دست بردارد و درباره آن بی تفاوت باشد. او قرآن را باید مطابق با اصول مذهب خود ترجمه کند زیرا اگر چنین نکند خواننده ترجمه گمراه می‌شود.» (۴۴)

خودشناسی و تشخیص دقیق گرایشهای آسیب زننده به محتوا و معنا به تنهایی برای تأمین مصونیت مراد متن کافی نمی‌ماند. دانشمندان دانش ترجمه ۴۷۶ و مسازی با پدید آورنده متن را نیز برای مترجم، ضروری می‌شناسند. «جاستین او برایان» بر این باور بود که «مترجم هرگز نباید چیزی را که نمی‌ستاید ترجمه کند و در صورت امکان میان مترجم و متنی که مورد ترجمه قرار می‌گیرد باید نوعی همبستگی طبیعی برقرار باشد.» (۴۵)

در خصوص قرآن، دمسازی، معنی ویژه خود را دارد. تعابیر: «روح قرآن در غیر مسلمان تجلی پیدا نمی‌کند»، «اگر مسلمان نباشد امکان این که قلبش کانون پذیرش وحی و قرآن شود، وجود ندارد و «وقتی قلب و دل مترجم نمی‌تواند جایگاه قرآن باشد بطور چنین چیزی (ترجمه) امکان دارد» (۴۶)، همین ضرورت را مورد تأکید قرار می‌دهد.

مقصود از نفوذ روح قرآن در دل مترجم جایگزینی گرایشها، باورها و تصامیم قرآنی به جای گرایشها، باورها و تصامیم غیر ارزشی است که در قالب عمل تبارز پیدا می‌کند، این همان طهارت و پاکی است که قرآن آن را وسیله دستیابی به معارف خود می‌شناسد «لا یمسه الا المطهرون» واقعه

جز پاکیزگان به آن دسترسی ندارند.

سید قطب می‌گوید: «وامانده، به درک اسرار قرآن نایل نمی‌شود، معانی مورد دلالت آن برای کسی قابل درک است که با ایمان و اتکاء به این کتاب آسمانی، برای جامه عمل پوشاندن به معنی آن با جاهلیت رویاروی کند.» (۴۷)

بی تردید دمسازی به این معنی، زمینه جذب عنایت الهی را نیز فراهم می‌آورد که مترجمان برجسته‌ای چون یوجین نایدا، جروم، وایکلیف و لوتر وتیندال، از آن به عنوان شرط اساسی موفقیت در ترجمه متن دینی نام برده‌اند. (۴۸)

۲-۱. تلقی متن به عنوان واجد ترجمه

مترجم باید به صورت همه جانبه وفادار به متن باشد، «یعنی برگردان کلمات، مفاهیم، وزن، قافیه اندیشه ناگفته اما القا شده به دریافت کننده اصلی و یا کلیت کتاب و مانند آن همه و همه وفاداری خاص خود را می‌طلبد.» (۴۹)

به همین دلیل اساتید ترجمه، همیشه تأکید کرده‌اند که قبل از دست یازیدن به ترجمه بایسته است که مترجم با متن و محتوای آن آشنایی حاصل نماید.

«مترجم باید قبل از آنکه به ترجمه اثری بپردازد، از محتوای کلام نویسنده آگاه بوده و مقصود نهایی او را درک کند.» (۵۰)

«هر متنی را به عهده گرفتید به هر دری بزنید که درباره مؤلف و درباره آن کتاب بیشتر بدانید.» (۵۱)

پیتر نیومارک (نظریه پرداز سرشناس در ترجمه و متولد ۱۹۱۶ م) می‌گوید:

مترجم وقتی می‌تواند حقایق متن را به نحو مؤثر منتقل کند که خود بدرستی آنها را فهمیده باشد و هدف ترجمه نیز همین است.» (۵۲)

بر اساس نقل ژرژ مونن دریدا، پل ریکور با تأکید بیشتر، مطالعه قبلی متن را به مترجم توصیه می‌کند.

دریدا پس از یادآوری دیدگاه بنونیست که جمله را واحد ترجمه می‌داند، می‌گوید: اما ریکور، درباره ترجمه معتقد است که جملات عناصر کوچکتری از گفتار هستند که در قالب متن جای می‌گیرد. مترجمین به خوبی واقفند به این نکته که مترجم جملات را ترجمه نمی‌کنند بلکه متن را ترجمه می‌کند. به عقیده ریکور، خود متن نیز در دل متن وسیع‌تری که همان مجموعه عناصر فرهنگی، مذهبی، آیینی و جهان بینی است، جای می‌گیرد. ریکور، در واقع به این نکته می‌رسد که تکلیف مترجم رفتن از واژگان به جملات، سپس به متن و سرانجام به مجموعه کل فرهنگی نیست

بلکه مترجم باید با بهره گرفتن از مطالعات خود و شناخت روح فرهنگی، به سوی متن، جمله و سپس واژگان پایین آید» (۵۳)

اهمیت متن‌شناسی و نقش آن در ترجمه به گونه‌ای توجه نظریه پردازان را به خود گرفته است که برخی از آنان، کل متن را واحد ترجمه می‌شناسد (۵۴) و با توجه به معنی که برای واحد ترجمه در نظر گرفته شده است: «واحد ترجمه» کوچکترین بخش از یک سخن است که پیوستگی و انسجام اجزایش آنچنان است که نباید آنها را به صورت مستقل و جداگانه ترجمه کرد» (۵۵)؛ باید با اشراف بر کل متن ترجمه صورت گیرد.

برخی چون پیتر نیومارک که متن را واحد ترجمه نمی‌داند نیز همانگونه که کلمه را نیز واحد ترجمه نمی‌شناسد با قبول ضرورت اشراف بر متن می‌گوید «متن در واقع حکم آخرین دادگاه استثناف را دارد، هر نوع بسط در هر سطح ترجمه، باید با وحدت متن سازگار باشد» (۵۶) لازمه سخن فوق این است که مترجم باید پیاپی کار متن‌شناسی را به انجام رساند و گرنه کجروی از مسیر مورد نظر پدید آورنده متن دامنگیر وی خواهد شد.

در خصوص قرآن، از همبستگی و کنش تبیینی متقابل آیات آن، تعبیرهای مختلفی شده است و در همین رابطه (۵۷) دانشی به نام «دانش تناسب» در گذشته‌های نسبتاً دور، توجه قرآن پژوهان را جلب کرد که همبستگی معنایی آیات قرآن را به بحث و گفت و گو می‌گیرد. (۵۸) بر اساس همبستگی یاد شده، نگاه تفسیر گرایانه اجزای قرآن به همدیگر مطرح شده است که در خود قرآن (مطابق نظر بسیاری از مفسران) تحت عنوان «مثنائی» مطرح می‌باشد: «اللّه نزل احسن الحدیث کتاباً متشابها مثنائی» (زمر/۲۳). علامه طباطبایی (ره) در توضیح این صفت قرآن می‌گوید:

«مثنائی به معنی عطف شونده است، چون آیات با یکدیگر هماهنگ و متمایلند و یکدیگر را توضیح می‌دهند و میان آنها ارتباط و انعطاف است» (۵۹)

در سخنی از امام علی علیه السلام درباره قرآن آمده است.

«ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض» نهج البلاغه خ ۱۳۳

بعض آن بعض دیگر را تفسیر کند و پاره‌ای بر پاره دیگر گواهی دهد.

بر این اساس گفته شده است:

مترجم قرآن باید یک انس بیست سی ساله با قرآن داشته باشد تا از اصل اصیل «القرآن بفسه بعضه

بعضاً» حداکثر استفاده را ببرد» (۶۰)

و نیز بر همین مبنا، ترجمه پیوسته پیشنهاد شده است که منظور از آن ترجمه‌ای است که مترجم قرآن را یک واحد به هم پیوسته و یک مجموعه از هم ناگسسته بداند را قسمتی قسمت دیگر را تفسیر می‌کند (۶۱)

بهر حال متن‌شناسی در مطلق ترجمه و ترجمه قرآن دو گونه مهارت علمی را می‌طلبد که عبارتند از:

۱-۲-۱ - شناخت زبان قرآن

متن، آمیزه‌ای از لفظ و معناست و ریخت بیرونی و لفظی آن حامل اندرونی‌ای به نام معنی و مراد می‌باشد، افراد هر جامعه زبانی، با نگاه به هر دو بعد متن گفتاری و نوشتاری به تفاهم و تعامل می‌پردازند.

بدین ترتیب مترجم ملزم است که از دو نوع مهارت علمی بر خوردار باشد، هم زبان متن را بداند و هم با معانی آن آشنایی کامل پیدا کند تا در عرصه ترجمه، ریخت گرایمی آمیخته با معنی گرایمی را الگوی خود بشناسد.

جاحظ می‌گفت:

«و ینبغی ان یکون اعلم الناس باللغه المنقولہ» (۶۲)

مترجم باید آگاه‌ترین انسانها باشد نسبت به زبان مبدا.

یوجین نایدا بر این باور بود که مترجم باید بر زبان مبدأ تسلط کامل داشته باشد. (۶۳)

تبحر در معانی لغوی کافی نیست، باید با دانشهای پیرامونی زبان که بعد هنری و زیبایی کلام و رنگ و بوی پیام را تامین می‌کند نیز آشنا باشد. سیسرو می‌گفت: مترجم باید مفسر و یا عالم علم بدیع باشد. (۶۴)

گیانز و مانتی با توضیح بیشتر می‌گوید:

مترجم باید اطلاعات دقیق، کامل و مبسوطی از دانش پیرامونی زبان داشته باشد، با نظر و نویسندگان، تاریخ نویسان و فرهنگ نویسان آن دو زبان آشنا بوده و آثار منتقدان، نویسندگان و فلاسفه را خوانده باشد. (۶۵)

بر این اساس حنین ابن اسحاق که معتقد بود بر ضرورت شناخت زبان مبدا و هی - خواست کتب پزشکی را از یونانی به عربی ترجمه کند، طی ده سال در قسطنطنیه، زبان یونانی را فرا گرفت. (۶۶)

قرآن ساختار زبانی دارد که شناخت و نفوذ در آن برای دستیابی به معنی، نیازمند مراجعه به دانشهای پیرامونی مختلفی می‌باشد که زبان عربی یکی از آنهاست.

آیت الله خوئی در مورد قرآن می‌گوید: مترجم قرآن، باید به زبان قرآن... کاملاً احاطه و در آن تخصص داشته باشد. (۱/۷۰)، مقصود زبان عربی است، با این تفاوت که بلاغت و بیان زبان عربی به صورت کامل و بی مانند و معجزه آسا در قرآن تبارز یافته است و آیه آیه آن آکنده است از نکات بلاغی، سبک آخرین و بازگو کننده ابعاد معنایی گوناگون اصل وفادار ایجاب می‌کند که مترجم

تمام ریزه کاری‌ها و نکات کلامی چون کنایه، تعریض، استعاره... ۲/۷۰ را که به نحوی با اصل مقصود پیوند دارد، بشناسد و بدانها احاطه کامل داشته باشد تا آنها را موقع ترجمه در قالب دیگری بریزد. (۶۷) بر این پایه ضرورت آشنایی کامل مترجم، دانشهای نحو، صرف، معانی، (۶۸) بیان، بدیع، عربی جدید، عربی قدیم و شعر جاهلیت (۶۹) مورد توجه اساتید ترجمه قرار گرفته است.

از آن رو که قرآن به صورت تدریجی و به مناسبتهای معین نازل شده است و مشتمل است بر آیات محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ...؛ مترجم ناگزیر است برای فهم واژه‌ها و آیات از آشنایی قابل توجه به علوم قرآنی برخوردار باشد.

مرجع دیگری که باید به صورت اساسی و فنی به مطالعه گرفته شود به منظور دستیابی به فهم قرآن، سنت است (۷۰) که علاوه بر سخنان پیامبر صلی الله علیه وآله، روایات اهل بیت آن حضرت را نیز در بر می‌گیرد، چه آنکه همانگونه که سخنان خود پیامبر صلی الله علیه وآله طبق این آیه: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» نحل / ۴۴؛ بیان و توضیح آیات قرآن به حساب می‌آید، سخنان معصومین علیه السلام نیز بازخوانی آن می‌باشد، زیرا بر اساس حدیث «تقلین» که می‌گوید قرآن و اهل بیت، همدیگر را رها نمی‌کنند، و هر دو عامل هدایتند. (۷۱) گفتار و رفتار آنان، بازگو کننده معنی و مراد آیات وحی خواهد بود. گذشته از این، جمله: «هم حزان علمه و تراجمه و حیه» (۷۲) که هم از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده و هم از امامان معصوم، به صورت آشکار و واضح و واضح، آنان را به عنوان مرکز ذخیره علم الهی و مترجمان وحی او معرفی می‌کند، مترجمانی که هم آشنایی کامل به سبک و ساختار زبان عربی دارد و هم به مراد الهی در قآن.

جاحظ ضمن پذیرش نقش سنت در ترجمه قرآن از اطلاع مترجم از خبر ناظر به قرآن، خبر صادق، خبر دروغ و خبری را که نمی‌شود مورد قضاوت قرار داد، (۷۳) سخن می‌گوید که هم به ضرورت چنین مراجعه‌ای اشاره دارد و هم سنگینی آن را تذکر می‌دهد.

مهمترین و آخرین مرجع برای وادشتن قرآن به سخن گفتن؛ خود قرآن است که واژه‌های کلید آن با تکرار و همنشینی با واژه‌های دیگر، در ضمن جملات و آیات متعدد و مختلف، به صورت متقابل، همه از همدیگر روشنایی می‌ستانند و به همدیگر روشنایی می‌دهد، به همین دلیل انس دوره‌ای و طولانی همراه با تدبّر با خود قرآن، مطمئن‌ترین راه است، برای راه یافتن به معنی دقیق واژه‌ها و کلمات آن، از باب نمونه سه گروه انسانی «اصحاب میمنه»، «اصحاب مشئمه» و «سابقون» به صورت مجمل در سوره واقع مطرح شده است ولی معنی هر کدام را در جای دیگری از قرآن می‌توان بدست آورد. در سوره مومنون (آیات ۵۷-۶۱) پس از بیان احساسات، باورها و رفتار شایسته برخی از انسانها، آمده است «أولئك سارعون فی الخیرات و هم لها سابقون»، در آیات (۱۳-۱۹) سوره بلد می‌گوید اصحاب میمنه مؤمنانی هستند که در پی آزادی بردگان، دستگیری ایتام

فامیل و بینوایان خاکنشین، در تنکدستی، می‌باشند و همدیگر را به شکیبایی و بخشش سفارش می‌کنند. اصحاب مشتمه کسانی هستند که به آیات خداوند کفر می‌ورزند، بسیاری از واژه‌های همین آیات نیز در جاهای دیگر، با آیات و کلمات دیگر، کنش و واکنش تفسیری و تبیینی دارد. تو شیپیکو ایزوتسو، مترجم ژاپنی قرآن که با نگاه نقادانه به ترجمه‌های قرآن (۷۴) می‌نگرد، در رابطه با کشف نگرش جهان‌شناختی قرآن بر اساس واژه‌ها و مفاهیم مربوطه و موجود در این کتاب می‌گوید:

«در نخستین نظر این عمل، کاری بسیار سهل می‌نماید، ممکن است کسی چنان بیندیشد که همه کاری که باید صورت بگیرد عبارت از آن است که از کل واژگان کلمات قرآن همه کلمات مهم را که به تصورات و مفاهیم مهم همچون الله و اسلام و نبی و امام و کافر و نظایر اینها ارتباط دارد، جدا کنند و معنایی را که هر یک از این کلمات در متن قرآن دارد، مورد تحقیق و ملاحظه قرار دهند ولی این کار در واقع چندان ساده نیست چه این کلمات یا تصورات در قرآن هر یک تنها و منعزل از کلمات دیگر به کار نرفته بلکه با ارتباط نزدیک به یکدیگر، مورد استعمال قرار گرفته‌اند و معنی محسوس و ملموس خود را دقیقاً از مجموع دستگاه ارتباطی که با هم دارند به دست می‌آورند.

به عبارتی دیگر این کلمات میان خود گروه‌های گوناگون بزرگ و کوچک می‌سازند که این گروه‌ها نیز بار دیگر از راه‌های مختلف با هم پیوند پیدا می‌کنند و سرانجام یک کل سازماندار و یک شبکه بسیار پیچیده و درهم پیوستگی‌هایی تصویری از آنها فراهم می‌آید» (۷۵).
نامبرده بر مبنای مورد قبول خودش واژه «بر» را بر اساس واژه‌ها و داده‌های آیه زیر قابل تعریف می‌شناسد «لیس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب لکن البر من امن بالله والیوم الاخر و الملائکه و الکتاب و النبیین و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و الیتمی و المساکین و ابن السبیل و السائلین و فی الرقاب و أقام الصلوۀ و ءاتی الزکوۀ و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا و الصابرين فی البأساء و الضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون» بقره ۱۷۷
سپس با اشاره به عناصری که در این آیه به عنوان اجزای سازنده و توضیح دهنده معنی «بر» بر شمرده شده است می‌گوید:

از همین جا می‌توانی دریابیم که چرا این واژه را در زبانهای دیگر به معانی مختلف مانند: پرهیزکاری، نیکی و راستی ترجمه کرده‌اند و تازه هیچیک از این واژه‌ها به تنهایی نمی‌توانند حق واژه اصلی را که معنای پیچیده آن متضمن همه این مفاهیم و شاید مفاهیم دیگر است، ادا نمایند» (۷۶)

هر متنی وابسته است به یکی از موضوعها و حوزه‌های علوم انسانی یا تجربی و میزان سلامت ترجمه آن از خطا و اشتباه، بستگی دارد به میزان آگاهی و آشنایی مترجم به آن موضوع و حوزه معرفتی.

در این رابطه استثنایی وجود ندارد، حتی مترجم شعر باید ملکه شعر داشته و در زبان مادری‌اش شاعر باشد، (۷۷) کسی که ادبیات داستانی را ترجمه می‌کند با روابط انسانی پیچیده رو به رو می‌باشد و باید تسلطش را بر این روابط به اثبات رساند. (۷۸)

تعابیر دانشمندان و پژوهشگران حوزه ترجمه که سطح آگاهی به موضوع را یادآوری می‌کند مختلف است، از باب نمونه، می‌خوانیم: «کسی که به کار ترجمه می‌پردازد و مسئولیت آن را می‌پذیرد، باید دارای ویژگیهایی باشد که یکی از آنها تخصص در موضوعی است که به ترجمه آن پرداخته است» (۷۹)

«مترجم باید حداقل دارای مدرک کارشناسی در آن رشته علمی باشد، در غیر این صورت مترجم... در ترجمه مفاهیم ممکن است مرتکب اشتباهات مضحک شود. (۸۰)

«در ترجمه... متون علمی دشواری اصلی آگاه بودن به آن عملی است که دارید راجع به آن ترجمه می‌کنید، فرض کنید فیزیک، اگر فیزیک بدانید ترجمه برایتان آسان‌تر خواهد بود، حتی معادل‌یابی برای شما راحت‌تر است اصل پیش نیاز چنین ترجمه‌ای، احاطه شما به موضوعی است که دارید ترجمه می‌کنید» (۸۱)

یوجین نایدا در این رابطه می‌گوید:

اما دانستن یک زبان دیگر است و بهره‌مند بودن از دانش ویژه در خصوص یک موضوع خاص دیگر فی‌المثل می‌توان کاملاً با یک زبان آشنا بود و در عین حال از فیزیک هسته‌ای یا شیمی آلی هیچ ندانست. چنین آشنایی عامی، برای ترجمه متنهای فنی، در این گونه زمینه‌ها به هیچ وجه کافی نیست.

به سخن دیگر، مترجم علاوه بر دانستن دو یا چند زبان ذیربط در کار ترجمه، باید با موضوع مورد ترجمه نیز کاملاً آشنا باشد» (۸۲)

در این رابطه جاحظ از همه سختگیرانه‌تر می‌نماید. در سخنی که وی نقل می‌کند (وگو با مورد قبول خودش نیز هست) آمده است:

«مترجم، قادر به رعایت امانت و ارائه ویژگیهای معانی و دیدگاه مورد نظر حکیم نیست مگر این که در شناخت معانی کلمات و قدرت به کارگیری واژه‌ها، هم‌تراز و هم‌سنگ نویسنده کتاب باشد»
آنگاه جاحظ، به قصد نقد وضعیت ترجمه و یادآوری ناتوانی مترجمان آثار ارسطو و افلاطون می‌گوید: «چگونه ابن بطریق، ابن ناعمه، ابن قره، ابن فهریز، ثیفیل، ابن وهیلی و ابن مقفع می‌توانند

همانند ارسطو و خالد) فرزند یزیدین معاویه که در حوزه ستاره‌شناسی، پزشکی و شیمی ترجمه می‌کرد (۸۳) همانند افلاطون باشد» (۸۴)

با توجه به اظهارات نظریه پردازان حوزه ترجمه و قطعی بودن برخورداری مترجم از دانش پوشش دهنده محتوای متن مورد ترجمه، بایستی برای مترجم و تئوری پردازان ترجمه متون دینی، این سوال (و پاسخ آن) مورد توجه جدی قرار گیرد که دانش و علمی که محتوای آیات وحی را پوشش می‌دهد، چه نوع دانشی است؛ تا آشنایی با آن به عنوان پیش نیاز ترجمه قرآن، پیشنهاد شود! تردیدی نیست در این که قرآن کتاب هدایت است، با پذیرش عملی هدایت‌های این مائده آسمانی، انسان به سعادت دنیوی و اخروی نایل می‌آید ولی همین برنامه هدایتی، بر پایه دانشهایی استوار است که امروز هر کدام با نام و ویژگی‌هایی مخصوص به خود، به رسمیت شناخته شده و به عنوان محورهای پژوهشی و مطالعات تخصصی و فوق تخصصی مستقل مطرح می‌باشند.

مطالعه قرآن تردیدی باقی نمی‌گذارد در این که متن آن بار دانشهایی هستی‌شناسی، کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، مطالعات تاریخ و فلسفه تاریخ، شناخت‌شناسی، کلام و عرفان، اخلاق و فلسفه اخلاق، ادبیات داستانی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و قانونگذاری، مدیریت و سیاست، و... را با دقت و واقع‌بینی فوق توان بشر، در خود نهفته دارد. چنین واقعیت و حقیقتی، مسئولیت سنگینی را به عهده مترجم می‌گذارد.

مترجم ناگزیر است از این که در حد و سطح لازم با دانشهایی که بستر هدایت قرآن می‌باشند آشنایی داشته و بتواند آیات و کلمات وابسته و مربوط به آنها را به صورت دقیق‌تر مورد شناسایی قرار دهد (یا از پیش شناسایی کرده باشد) تا از بی راهه روی در وادی ترجمه در امان بماند! دکتر بوکامی با اشاره به پیشرفت علم و قابل فهم شدن آیات علمی قرآن می‌گوید: «همین امر روشن می‌نماید که فقط داشتن معلومات عمیق زبان‌شناسی برای فهم آیات قرآن، کفایت نمی‌کنند و علاوه بر این معلومات، بایستی واجد آگاهی‌های علمی گوناگون نیز بود. مطالعه‌ای از این گونه، در باب قرآن، دائرة المعارفی چند بعدی و چند رشته‌ای می‌شود. ۱/۸۹

به عنوان نمونه جنین‌شناسی از موضوعات در خور توجه قرآن است، ژرفنگری آیات مربوطه در این زمینه، به گونه‌ای است که دکتر بوکامی پس از مطالعه و مقایسه دیدگاه قرآن با دیدگاه کتاب عهدین و دیگر دیدگاه‌های غیر علمی و جنین‌شناختی با شگفت زدگی و به صورت مکرر می‌گوید: «اکنون چطور می‌توان به قرآن توجه کرد و از هماهنگی میان متن آن و اطلاعات علمی

این عصر، راجع به این پدیده‌ها به شگفت نیامد» ۲/۸۹

«اما قرآن... در جاهای مختلف آن، مکانیسم دقیق این مساله، یادآوری می‌شود، مراحل مختلف آن کاملاً مشخص و معلوم می‌گردند و در مقابل، مطالب ناصحیح نیز عنوان نمی‌شود، بیان مطالب با کلمات و تعبیرات ساده صورت می‌گیرد تا فهم انسان قادر به دریافت آنها باشد» (۸۵)

«خلاصه آنکه هم در مورد مطالب نظری و مربوط به تولید مثل انسان و هم راجع به مسائل عملی ناظر به زندگی زناشویی و روابط جنس زن و شوهر، قرآن هیچ مطلبی ندارد که با اطلاعات و معلومات جدید و نیز با اموری که منطقی‌تاً نتیجه این اطلاعاتند، مغایرت و مخالفت داشته باشد» (۸۶)

نامبرده به همان اندازه که بر واقعینانه بودن دیدگاه علمی قرآن اصرار دارند، از بی‌کفایتی ترجمه‌ها و تفسیرها حکایت می‌کند و منشأ آن را بی‌اطلاعی مترجمین از موضوع (و دانش جدید) می‌شناسد، آنگاه به صورت عینی از ترجمه «علق» به خون بسته، به عنوان یک اشتباه خطرناک نام می‌برد:

«کسانی که با علوم دقیقه سرو کار دارند، با ملاحظه ترجمه‌ها و تفسیرهای موجود به معانی صحیح، دست نمی‌یابند، برای مثال قسمت اعظم ترجمه‌ها، در جریان ایجاد انسان از «؟؟؟ خون» و «خون بسته» و «یا» و «وابستگی» و «تعلق» سخن می‌گوید، حال آنکه این بیان در نظر دانشمندی که در این زمینه تخصص دارد کاملاً نامقبول است زیرا هیچگاه انسان دارای چنین وضعی در آغاز نیست. در قسمتی که مربوط به خانه کردن و لانه نمودن تخم در رحم است، خواهیم دید که متخصصان مشهور زبان عربی، به علت فقر فرهنگ علمی، دچار اشتباه شده‌اند» (۸۷)

سپس بوکای به تشریح معنایی واژه «علقه» پرداخته می‌گوید:

«تخم پس از آنکه در لوله رحم بارور شد، به خوف رحم می‌آید و در آن جای می‌گیرد این امر را خانه گرفتن و لانه کردن تخم می‌نامند. استقرار تخم در رحم به وسیله برجستگی‌های که دنباله‌های واقعی تخم اند به وقوع می‌پیوندد که همانند ریشه‌ها در خاک می‌رویند تا آنچه برای رشد تخم لازم است از جداره عضو بر گیرند. تخم در ضمن رشد خود به معنی واقعی کلمه به رحم آویزان می‌شود. آشنایی به این مطلب از کشفیات عصر جدید است. این آویختگی پنج بار در قرآن نام برده شده (سوره علق ۲/ و حج ۵/ و مؤمنون ۱۴/ و مؤمن ۶۷/ و قیامت ۳۸/ چیزی که آویخته می‌شود ترجمه علق است. معنی دوم آن خون بسته است که اکثر ترجمه‌های قرآن بدان ترجمه کرده است. این نادرست است و بر علیه آن باید هشدار داد. انسان هرگز از مرحله خون بسته، نگذشته است. معنی نخست یعنی چیزیکه آویخته می‌شود کاملاً پاسخگوی واقعیتی است که امروز کاملاً به ثبوت رسیده است.» (۸۸)

جالب این که علی‌رغم تصویری شدن مراحل رشد چنین و اثبات مرحله‌ای که در آن نطفه به رحم می‌چسبد و تصریح لغت دانان چون راغب به این که «علق» در قدم اول به معنی چسبیدن،

چنگ زدن و کرمی است که به حلق و گلو می‌چسبد، باز هم مترجمان «عَلَقَه» را به خون بسته شده ترجمه می‌کنند!

دکتر خالد جلبی نویسنده کتاب «الطب محراب الایمان» و نویسندگان کتاب «مع الطب فی القرآن کریم» نگرانی مشابه نگرانی دکتر بوکای را دارن و ترجمه «فی ظلمات ثلاث» را به سه پرده: «آمنیوس»، «کوریون» و «آلانتوئید» با ظاهر آیه «یخلقکم فی بطون امهاتکم خلقا من بعد خلق فی ظلمات ثلاث» زمر ۶؛ سازگارتر می‌شناسد زیرا آیه از سه تاریکی در داخل بطن خبر می‌دهد و این مغایرت را می‌رساند و گویای این است که مراد تاریکیهای ناشی از سه پرده یاد شده است و نه تاریکی ناشی از خود اشکم و رحم و بچه دان که (۸۹) مورد قبول ترجمه‌های رایج می‌باشد یعنی ترجمه‌هایی که دنبال تعیین مصادق تاریکیها می‌باشند.

بوکای نارسایی ترجمه‌ها و تفسیرهای آیات علمی قرآن را تأسف بار و گناهی می‌داند که می‌تواند موجب انتقاد دانشمندان از قرآن شود (با این که قرآن در معرض آن نیست). وی در مقام ریشه یابی این اشتباه می‌گوید: اشتباه مترجمان و مفسران قدیمی که راهی برای دستیابی به معانی دقیق واژه‌های علمی قآن نداشتند طبیعی و قابل اغماض است ولی مترجمان و مفسران معاصر با این که می‌توانند از زمینه‌های که پیشرفت علم در اختیارشان قرار داده است، سود برده معنی دقیق واژه را تعیین کنند، باز هم چشم دید نقادانه‌شان را بسته از گذشتگان تقلید می‌کنند. (۹۰)

۲. تخصص در زبان ترجمه

نظریه سازان ترجمه، به شناخت زبان مقصد اهمیت ویژه‌ای قایلند. جاحظ می‌گفت: «وینغی ان یکون اعلم الناس باللغه المنقولۀ و المنقولۀ الیه حتی یکون فیهما سواء و غایۀ» (۹۱) مترجم باید در زبان مبدأ و مقصد، به صورت یکسان، بیشترین آگاهی را داشته باشد. یوجین نایدا نیز از تسلط کامل مترجم به هر دو زبان سخن می‌گوید و با تعبیر «امکانات و رحم و خم زبان مقصد را مثل کف دست خود بشناسد» می‌خواهد اهمیت بیشتر شناخت زبان مقصد را گوش زد کند. سپس با صراحت بیشتر این اولویت را توضیح می‌دهد:

«مهمتر از شناخت کامل زبان مبدأ همانا تسلط بر زبان مقصد است. معمولاً با استفاده از لغتنامه‌ها، شروح و تفاسیر و رساله‌های فنی، می‌توان شناخت بهتری از پیام زبان مبدأ به دست آورد اما هیچ چیز را نمی‌توان به جای تسلط کامل بر زبان مقصد نشانده. بی‌گمان بیشترین و فاحشترین اشتباهتی که مترجمان مرتکب می‌شوند، عمدتاً زاییده آن است که چنانکه باید و شاید، بر زبان مقصد تسلط ندارند.» (۹۲)

ایت الله خوئی در خصوص بایدهای ترجمه قرآن می‌گوید:

«ترجمه کننده قرآن باید به زبان قرآن و هم به زبانی که قرآن را به آن زبان بر می‌گرداند کاملاً احاطه و در آن تخصص داشته باشد» (۹۳)

پیش از پرداختن به راز و رمز این همه تأکید، بر ضرورت شناخت کامل زبان و فرهنگ مقصد، این ادعا را پذیرفته و مورد تأکید قرار دهیم که می‌گوید:

«مترجمی که نه بر زبان مبدأ، نه بر زبان مقصد و نه بر موضوع متنی که ترجمه می‌کند، تسلط دارد، ناچار به روش لفظ‌گرایانه پناه می‌برد زیرا توان آن را ندارد که از محدوده لفظ نویسنده یا بیرون گذارد» (۹۴)

امروز لفظ‌گرایی، از این نوع، مشتری ندارد باور رایج این است که مترجم باید علاوه بر محتوای آشکار پیام، نکته‌ها و دقایق معانی را نیز باید درک کند، بار عاطفی واژه‌ها را دریابد و ظرایف را که از حیث سبک، رنگ و بوی پیام را تعیین کرده است، تشخیص دهد (۹۵) و درصد و انتقال تمام وجوه معنایی با یا قالب جدید به مخاطبان ترجمه (۹۶) باشد.

ریخت قالب جدید گونه‌های متعددی دارد، می‌تواند از نوع کارکرد گرایانه و افراطی باشد که می‌گوید در ترجمه هدف وسیله را توجیه می‌کند (۹۷) پس باید غرابت زدایی را به شکل جدی پی گرفت و با کنار زدن تحمیلی الفاظ متن معنی را در اختیار فرهنگ و زبان ترجمه قرار داد. شکل دوم این است که برای معانی، جملات خالی از ابعاد هنری تدارک دیده درباره این گونه‌ای از قالب دست ساخت مترجم سخن «فان زونگ ینگ» را بار دیگر مرور کنیم:

«این گونه ترجمه‌ها... مثل آن است که ماهی بزرگی را بخوبی طبخ و ادویه و سس خوشمزه نیز به آن اضافه کنید، اما قبل از آنکه بر سر سفره ببرید، ناگهان به درو آب بیفتد، اندازه ماهی تغییر نمی‌کند اما طعم و مزه آن بکلی از بین می‌رود... و کسی میل خوردن آن را ندارد» (۹۸)

گونه سوم، قالبی است که در عین پای بندی به لفظ و معنای متن بعد هنری و زیبا شناختی آن را نیز به نمایش گذاشته و مخاطبان ترجمه را تحت تأثیر جاذبه‌های آن قرار می‌دهد.

در مورد قرآنی نیز گفتمان ترجمه، اینک بر این نکته پا فشاری دارد که علاوه بر معنی و مفهوم اصلی کلام، باید تمام نکات، ویژگیها و ابعاد معنایی که در حاشیه آن قرار دارد نیز در ترجمه گنجانده شود. (۹۹) شاید تعبیر «برگردان... اندیشه ناگفته اما القا شد به دریافت کننده اصلی» که در سخن بعضی قرآن پژوهان به عنوان نماد وفاداری مترجم مطرح شده است، (۱۰۰) بتواند، تمام ریز معنی‌های نهفته در پناه مقصود اصلی آیات را در بر می‌گیرد:

اندیشه ناگفته اما القاء شده، در قرآن، گستردگی معجزه آسا دارد و بیان مقصود از طریق معانی تمثیل، کنایه و استعاره، تنها بخشی از آنها می‌باشد، مترجم بر اساس اصل رعایت امانت و وفاداری،

ناگزیر است از بیان این مقاصد، با آشکار ساختن جنبه ادبی، بلاغی، و هنری قرآن که قهراً به حجیم شدن الفاظ می‌انجامد.

به عبارت دیگر مترجم با رعایت برابری در لفظ و پای بندی به آن، نمی‌تواند گستره معنایی و بعد زیبا شناختی قرآن را در ترجمه بگنجانند ولی با دست یازیدن به ایجاد برابری در معنی، می‌تواند پاره‌ای از ابعاد معنایی آیه را به نمایش گذارد، این همان ترجمه تفسیری است که در کلام ابن فارس مورد مطالعه قرار گرفت، ایشان می‌گفت: تو هیچگاه قادر نیستی و نمی‌توانی معنی آیه «اما تخافن من قوم خیانه فانبذ الیهم علی سواء» انفال ۵۸، در قالب ترجمه لفظی با حفظ تعادل «کلمات، ارائه دهی مگر این که ظرفیت گسترده‌تری پدید آوری، کلمات پنهان را آشکار سازی و سازماندهی دیگری بیافرینی.» حتی تبسط مجموعها و تصل مقطوعها و تظهر مستورهاها» (۱۰۱)

از باب نمونه در آیه (و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لاتبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا) اسراء ۲۹/ تمثیل و کنایه‌ای نهفته است، زنجیر شدن دست به گردن نماد خست و؟؟ و باز کردن کامل دست اشاره به ریخت و پاش اسراف گرایانه دارد. بین مترجمین، ترجمه قرآن ری و تاج التراجم، روش یاد شده را تا حدی در مورد این آیه مورد توجه قرار داده اندک به ترتیب مطالعه می‌کنیم:

و مه گیر دستت را از نهفته کردن فرو گرفتنی به گردن خویش و یمده بیک باره همه دادن که آن وقت بنشین برهنه ملامت کرده.

و دست از عطا فرو مدار چنان چون کسی که دست وی با گردن بسته‌اند و مگستران دست را به عطا گسترانیدنی که هر چه داری بدهی و بنشینی.

دل انگیزی و گویایی نسبی دو ترجمه فوق، با مطالعه چند نمونه ترجمه زیر که از طرح جنبه تمثیلی کلام دریغ ورزیده است، با وضوح و شفافیت بیشتر می‌نماید.

صادقی:

و دستت را به گردنت زنجیر وارونه و به تمامی گشادگی (هم) گشاده دستی مکن که در نتیجه ملامت شده و حسرت زده بر جای بمانی.

حرمشاهی:

دستت را - از شدت بخل - مبند برگردنت و نیز بسیار گشاده‌اش مدار که ملامت زده و درمانده می‌نشینی.

فولادوند:

و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.

انصاریان:

و دستت را [چون بخیلان به نشانه این که قدرت انفاق چیزی را به تهیدستان نداری] بر گردنت بسته مدار و [آن چنان هم در انفاق] دست و دل باز باش که چیزی برای معاشق خودت باقی نماند که در نتیجه [نزد شایستگان] نکوهیده و [در زندگی خویش] درمانده گردی.

بهرحال، غرض از کسب مهارت در زبان مقصد، پیشه کردن رویکرد کارکرد گرایانه و غرابت ستیزانه نیست تا پیام قرآن در قالب‌ها، مثالها، تشبیه‌های بیگانه، از قالبهای بلاغی خودش، به خوانندگان ترجمه، عرضه گردد، چه آنکه ترکیبها و ساختارها قرآن عمق معنایی نا متناهی دارد و نباید با معادلهای تمثیلی فرهنگهای دیگر - که یقیناً توان ایفای نقش مشابه را ندارد - مبادله شود.

هدف از مهارت زبان شناختی در زبان مقصد این است که مترجم بتواند تمام ظرفیتهای زبان ترجمه را به کار بگیرد تا بخشی از ابعاد هنری حاشیه پیامهای اصلی قرآن را به صورت هر چه دلرباتر بازگو کند تا مخاطبان ترجمه با احساس لذت تحت تأثیر قرآن قرار گیرند. تردیدی نیست در این که سخن غزال در ترجمه آیه: «و أرسلنا الریاح لواقح» حجر ۲۲، که می‌گوید: و ما بادها را به دامادی گلها و درختان فرستادیم»، برای خوانند اثری دارد که آن را در ترجمه جلال الدین فارسی نمی‌بیند که می‌گوید: «و بادها را باردار کننده فرستادیم».

در ترجمه تفسیری و ساختار جدیدی که جایگزین ساختار متن شده است، از خط تیره، پاورقی، قلاب و پرانتز،

استفاده نمی‌شود بلکه با تدارک واژه‌های مناسب برای معانی آشکار و پنهان، معانی نهفته در آوا یا تنوین و... بر اساس قواعد دستوری، ادبی و گفتاری زبان ترجمه، قالبی ساخته می‌شود که علاوه بر پیام و مقصود اصلی احساس‌ها و حالات مشابه احساسها و حالات خواننده و شنونده متن قرآن را، به گونه‌ای در خوانند یا شنونده ترجمه نیز به وجود آورد، در جای که قرآن در پی احساس التزام، علاقمندی، شگفت زدگی، تنفر... است، ترجمه نیز این را به ارمغان دهد. چنین نتایجی حاصل نمی‌آید جز از طریق خلاقیت ادبی و هنری که ریشه در مهارت ویژه زبان شناختی دارد.

۳. مهارتهای علمی

مترجم ادعا دارد که دو کار نویسندگی و ترجمانی را با هم انجام می‌دهد. این دو فن با آموزش و تجربه عملی قابل دستیابی است، عرف به کسی که روش نوشتن و ترجمه را به صورت نظری، آموخته است، نویسنده و مترجم نمی‌گویند، برای کسب این دو عنوان، دستیابی به تجربه عملی دقیق و طولانی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، تنها در پی چنین تجربه‌ای، قدرت ترجمه و بیان با قلم حاصل می‌آید.

در اظهارات دست اندرکاران دانش ترجمه، دقت بیان (کتبی یا گفتاری) به عنوان شرط مستقل مطرح شده است.

جاحظ پس از طرح این نکته که مترجم در تسلط بر موضوع باید همسنگ با صاحب اثر باشد، می‌گوید:

«لا بد للترجمان من ان يكون بيانه في نفس الترجمة في وزن علمه في نفس المعرفة» (۱۰۲)

قدرت بیان مترجم باید برابر و همسنگ دانش او در موضوعی باشد که می‌خواهد ترجمه کند.

یوجین نایدا هم به این ضرورت به صورت جداگانه اشاره دارد:

«حتی شناخت کامل زبانها و موضوعات، توأم بادمسازی، ضامن خوب بودن ترجمه نیست مگر

آنکه مترجم توانایی بیان ادبی را هم داشته باشد.» (۱۰۳)

اگر در کار ترجمه کتب عادی بایستگی این باید، بدین گونه مورد تأکید است، در مورد قرآن باید

بگوییم:

«مترجم قرآن باید حرفه‌ای باشد. کسی که می‌خواهد با ترجمه قرآن، ترجمه را یاد بگیرد... این یک

جفایی است که بر خود و قرآن کرده است» (۱۰۴)

پس سالها تمرین و تجربه عملی نوشتن و ترجمانی می‌باید تا در کنار برخورداری از سایر شرایط

زمینه اقدام به ترجمه قرآن فراهم آید.

۴. تعامل جمعی

توقع فراهم آمدن شرایط ترجمه، برای فرد واقع بینانه نمی‌نماید، به همین دلیل یوجین نایدا اظهار

می‌دارد:

«بهترین مترجم کسی است که زبانهای مبدأ و مقصد را کاملاً بداند، با موضوع اثر از نزدیک آشنا،

با نویسنده اصلی و محتوای اثر دمساز و در زبان مقصد سبک پرور باشد اما چنین مجموعه‌ای از

توانیها، به ندرت در کسی یافت می‌شود. از این رو عناصر اساسی نقش مترجم غالباً باید به اشکال

گوناگون میان اشخاص مختلف تقسیم گردد» (۱۰۵)

دکتر بوکای در خصوص قرآن با نایدا همصدایی دارد، پس از یادآوری اشتباه مترجمین قرآن در

فهم واژه «علق» می‌گوید:

«همین امر نشان می‌دهد که برای فهم کلمات و آیات قرآن همکاری میان دو گروه ضرورت دارد:

کسانی که به زبان عربی آشنایی کامل دارد و کسانی که سروکارشان با معارف علمی است» (۱۰۶)

واقعیت این است که ترجمه قرآن کار طاقت فرسا و نتیجه به کارگیری توانمندیهای متنوعی عینی

و می‌باشد. تعبیر «ترجمه تفسیر موجز است» (۱۰۷) و «ترجمه خلاصه التفاسیر است» (۱۰۸) توسط

دو تن از پژوهشگران حوزه معارف قرآن که به قصد یادآوری دشواری کار ترجمه صورت گرفته

است تنها بخشی از سنگینی کار را نشان می‌دهد. مترجم متعهد ادعا دارد که خود را به ژرفای معانی قرآن می‌رساند و سپس روزنه کوچکی به نام ترجمه بر روی آن می‌گشاید که باید هم گویایی داشته باشد و هم بعد هنری و بلاغی و هم دریچه‌ای باشد برای نگاه به بطون قرآن این تعهدی است که مفسر خود را پای بند به آن نمی‌شناسد.

گسترده‌گی و طاقت فرسایی شرایط، توانمندیهای لازم و ظرافت کار سبک پروری در بدنه کوچکترین قالب نوشتاری ممکن، مستلزم این است که افرادی با تخصصها و تواناییهای گوناگون در تعامل با هم قالب و معجزه‌ای را بیافرینند که در آن معانی اصلی و فرعی محفوظ باشد، تیغه‌های تبیین کننده به صورت متقابل از معنی واژه‌ها و آیه‌ها به سوی هم نشانه رود و پرورش ادبی و سبکی توجه‌ها را به سوی خود خواند.

نگاهی به ترجمه‌های موجود

ترجمه‌های موجود قرآن (اعم از کهن و جدید) را نمی‌توان محصول مشترک شرایط و تواناییهای نامبرده شده در این مقاله، تلقی کرد. بین مترجمان نمی‌توان فرد یا جمعی را یافت که ادعای برخورداری از تخصصها و توانمندی‌های مزبور را بر زبان جاری کند.

بر اساس نقدهای به عمل آمد (۱۰۹) بخش قابل توجهی معانی القا شده در قرآن (از قبیل مفاد تقدیم، تأخیر، تعریف، تنکیر، تفریح، حروف، تنوین، جمله فعلیه، جمله اسمیه، مشتقات، استفهام، محذوفها، کنایه، تعریض، تضمین، استعاره، مجاز، تمثیل، ارتباط آیات و...)

در ترجمه‌ها تبارز ملموسی ندارد و از پرورش ادبی سازگار یا متن قرآن هم اثری به چشم نمی‌آید و...

خوانایی و روانی عبارت در ترجمه‌های جدید بازگو کننده تحول اندکی در رو ساخت ترجمه به حساب می‌آید، اما ژرف ساختها همچنان در معرض بی توجهی قرار دارد، باید قضاوت و ارزیابی ولی الله دهلوی (متوفای ۱۱۷۶ ق) را پیرامون ترجمه‌های موجود در عصر خودش، شامل ترجمه‌های این زمان، نیز بدانیم! نامبرده می‌گوید:

«ترجمه‌ها خالی از دو حالت نیستند یا ترجمه تحت اللفظ می‌باشند یا حاصل المعنی و در هر یک وجوه خلل بسیار در می‌یابد» (۱۱۰)

حاصل المعنی، همان معنی اصل (نقطه مقابل معنی تبعی و پیرامونی) است که از لابه‌لای ترجمه به گونه‌ای خود را نشان می‌دهد. بار تلی سنت هیلر، مستشرق فرانسوی و (نویسنده قرآن و محمد) گویا درباره ترجمه‌های قرآن با روش رایج می‌گوید:

«اگر قرآن ترجمه شود قسمت قسمت اعظم ملاحظت کلام و قدرت و تأثیر خاص آن از بین می‌رود.»

آهنگ گرم و کلام موزون آن به سردی می‌گراید ولی در عین حال دورنمایی آن شعله جاودانی از خلال ابرهای تیره ترجمه تابان و فروزان است» (۱۱۱)

ولی ترجمه قرآن با این دست آورد، در معرض اتهام به خیانت است چه آنکه از منظر نظریه پردازان حوزه ترجمه، در متون ادبی ترجمه‌ای که درک و احساس مشابه درک و احساس خواننده متن را در خواننده ترجمه ایجاد نتواند، مظهر بی وفایی، خیانت و ستمگری به پدید آورنده متن می‌باشد. (۱۱۲)

نادیده انگاشتن این اتهام در مورد قرآن - که بلاغت و بعد ادبی اعجازآمیز آن تردیدناپذیر است - توجیهی جز ساده انگاری در فهم و باخوانی قرآن در قلاب ترجمه ندارد که خود با چرا یا چراهای رو به رو می‌باشد.

پی نوشتها:

۱ - جان گونتر، اسکندر مقدونی، ترجمه ایرج قریب، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی،

ط ۳/۱۲۹

۲ - میر عمادی، سید علی، تئوریهای ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب با همزمان، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خانه فرهنگ، ط ۲/۲۵

۳ - همان منبع / ۲۸

۴ - فصلنامه مترجم، سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۷، داگلاس رابینسون، تئوری ترجمه در غرب، ترجمه عبدالله کوثری / ۹۱ و ۹۲

۵ - همان ص ۹۰

۶ - فصلنامه مترجم، سال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۷۴ ترجمه ادبی، ترجمه خسرو احسنی / ۲۴

و همان، شماره بیستم، زمستان ۱۳۷۴، لارنس و نوتی، استراتژی ترجمه / ۱۲

۷ - فصلنامه مترجم، سال هشتم، شماره ۲۹، علی خزاعی فر، کارکرد گرایبی در ترجمه / ۵.

۸ - همان، سال پنجم، شماره بیستم، لارنس و نوتی، استراتژیهای ترجمه، / ۱۲ و ۱۵

۹ - همان سال هشتم، شماره ۲۹، کارکرد گرایبی در ترجمه / ۵،

۱۰ - صلح جو، علی، گفتمان و ترجمه، تهران، نشر مرکز، ط ۶۴-۶۶ / ۱۳۷۷ □ ۱

۱/۱۱ - گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، کتابفروشی اسلامیة، ط ۱۳۵۸ ش ۵۴۲/

۲/۱۱ - به کوشش مهدی افشار، سی سال ترجمه و سی سال تجربه انتشارات انوار دانش، ط

□ ۱/۱۳۱

- ۱۲ - جاحظ، عمرو، کتاب الحيوان، بيروت، دراراحياء التراث العربي، ط ۷۶ - ۱/۷۸ □ ۳.
- ۱۳ - بهاء الدين محمد علي، كشكول، ترجم كريم فيضي، انتشارات تهذيب، ط ۲/۳۱۲
- منبع اصلي سخن صفدي اثری است از وی به نام: «الغيث المسجم» چاپ قاهره در سال ۱۳۰۵
 ۴۶/۵
- ۱۴ - کتاب الحيوان، ۱/۷۸
- ۱۵ - د. فضل حسن عباس، اتقان البرهان في علوم القرآن، اردن، دارالقرآن، ط ۱۹۹۷ □ ۱ م ۳۰۰/
- ۱۶ - ابن فارس، الصحابي في فقه اللغة، ۴۱/ به نقل از: اتقان البرهان في علوم القرآن / ۳۰۰
- ۱۷ - فصلنامه ترجمان وحی، سال اول، شماره اول، آذر تابش آذر نوش، تاريخ ترجمه از عربي به فارسی ۱۰۸-۱۱۰
- و د - آذرتاش آذرنوش، تاريخ ترجمه از عربي به فارسی، نشر سروش، ط ۳۲ - ۰۱/۴۷
- ۱۸ - ابواسحاق شاطبي، الموافقات، بيروت، دارالکتب العلميه، ط (ندارد) ج ۵۲ / ۱-۲
- ۱۹ - عبدالقاهر جرجاني، دلائل الاعجاز، قم، مکتبه اروميه، ط ۱۴۰۴ ق ۲۰۲-۲۰۳
- ۲۰ - بي آزار شيرازي، عبدالکريم، قرآن ناطق، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ط ۲/۹۳
- ۲۱ - محمد رشيد رضا، تفسير المنار، بيروت، دارالمعرفه، ط ۹/۳۳۱ □ ۲ و ۳۳۶
- ۲۲ - مصطفوي، حسن، روش علمي در ترجمه و تفسير قرآن، قم، دارالقرآن الکریم، ط اول / ۸۰
- ۱/۲۳۳ - فصلنامه ترجمان وحی، سال اول، شماره دوم، آيت الله معرفت، بحثي درباره ترجمه قرآن مجيد و امکان آن / ۱۰
- ۲/۲۳۳ - سي سال ترجمه سي سال تجربه ۱۸/ و ۳/۲۳۳ - روش علمي در ترجمه و تفسير قرآن مجيد / ۸۱
- ۲۴ - زرقاني، محمد عبدالعظيم، مناهل العرفان، بيروت، دارالفکر، ط ۲/۱۱۲ □ ۱۴۰۸
- ۲۵ - مراجعه شود به:
- فخر الدين طريحي، مجمع البحرين و سيعد النوري، اقرب الموارد و ابن منظور، لسان لعرب و لويس معلوف، المنجد، واژه ترجمه
- ۲۶ - خوئي، ابوالقاسم، بيان در علوم و مسائل کلي قرآن، ترجمه محمد صادق نجمي و هاشم هاشم زاده هريسي، ايران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ط اول / ۶۵۸
- ۲۷ - قرآن ناطق / ۶۲
- ۲۸ - زمخشری، محمود، تفسير كشاف زيل آيه ۴ سوره ابراهيم
- ۲۹ - تفسير المنار، ۹/۳۲۵

- ۳۰ - اسفراینی، شاهفور، تاج التراجم، تصحیح نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ط ۱/۸ □ ۱
- ۱/۳۱ - فرهنگ فارسی عمید، واژه سبک
- ۲/۳۱ - فصلنامه مترجم، سال هشتم، شماره ۲۹/۵ و فصلنامه ترجمان وحی، سال اول، شماره دوم ۹/
- ۳۲ - فصلنامه مترجم، سال سیزدهم، شماره بیست و یکم و بست و دوم، بهروز عزیز فتری، تحلیل روان شناختی فرایند ترجمه ۱۰-۱۲
- ۳۳ - مجله نشر دانش، سال سوم، شماره اول، ابوالحسن نجفی، مسأله امانت داری در ترجمه ۱۱/.
- ۳۴ - فصلنامه مترجم، سال اول، شماره اول، فان زونگ ینگ، تأملی در معیارهای ترجمه، ترجمه علی خزاعی فر ۱۶/.
- ۳۵ - د. ابراهیم انیس، دلالة الالفاظ، مكتبة الانجلو المصریه، ط ۱، فصل هشتم به نقل از: فصلنامه مترجم، سال دوم، شماره پنجم، ابراهیم انیس، مشکلات ترجمه الفاظ قرآنی، ترجمه حسین سیدی ۹۷/.
- ۳۶ - فصلنامه مطالعات ترجمه، سال دوم، شماره ششم، مهرزاد منصوری، بحثی در میان نظری ترجمه متون دینی ۵۷-۵۸
- ۳۷ - حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، کتاب الصلوٰه، ابواب القرائه فی الصلوٰه، باب ۶۷ حدیث ۱
- ۳۸ - فصلنامه ترجمان وحی، سال اول، شماره دوم، بحثی درباره ترجمه قرآن مجید ۹/ و نیز مراجعه شود به:
- مناهل العرفان فی علوم القرآن ۲/۱۱۰ و ۱۱۶ و ۱۱۹
- ۳۹ - همان ۱۱۴-۱۱۶
- ۴۰ - فصلنامه مترجم، سال ششم، شماره‌های ۲۱ و ۲۲، بهروز عزیز فتری، تحلیل روان شناختی فرایند ترجمه ۱۰/
- ۴۱ - مجله نشر دانش، سال ششم، شماره چهارم، یوجین نایدا، نقش مترجم، ترجمه سعید باستانی، ۲۴/
- ۴۲ - همان ۲۵/
- ۴۳ - حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی: ط (ندارد) ۱۸/۲۸
- ۴۴ - تاج التراجم ۱/۶
- ۴۵ - همان، ۲/۵۶۲

- ۴۶ - فصلنامه ترجمان وحی، سال اول، شماره اول، یعقوب جعفری، لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن ۷۵/
- ۴۷ - فصلنامه مترجم، سال ششم، شماره‌های ۲۱ و ۲۲/۱۰
- ۴۸ - مجله نشر دانش، سال ششم، شماره چهارم ۲۲/
- ۴۹ - کیهان فرهنگی، سال چهاردهم شماره ۱۳۱/۱۳۸
- ۵۰ - سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ط ۴/۲۰۳۸ □ ۱۱
- ۵۱ - مجله نشر دانش، سال ششم، شماره چهارم ۲۲/
- ۵۲ - فصلنامه مترجم، سال هفتم، شماره یک، د نعمت الله، اصول ترجمه قرآن کریم ۷۸/
- ۵۳ - تئوریهای ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب با همزمان ۶۱/
- ۵۴ - سی سال ترجمه و سی سال تجربه ۲۰/
- ۵۵ - فصلنامه مترجم، سال هشتم، شماره بیست و نه، گفتگو با پیتر نیومارک ۱۸/
- ۵۶ - همان، سال سیزدهم، شماره سی و نهم، ژرژ مونن تاژاک در یداء، ترجمه د. مهران زنده بودی ۴۹/
- ۵۷ - فصلنامه مترجم، سال هشتم، شماره بیست و نه، گفتگو با پیتر نیومارک ۲۲/
- ۵۸ - قلیزاده، حیدر، مشکلات ساختاری ترجمه قرآن، تبریز مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی انسانی، ط ۱/۱۴۱
- ۵۹ - فصلنامه مترجم، سال هشتم، شماره ۲۹/۲۲
- ۶۰ - در این رابطه مراجعه شود به فصلنامه پژوهشهای قرآنی، سال دوم شماره ۷ و ۸، مقاله شکوفایی تفسیر موضوعی در قرن اخیر
- ۶۱ - سیوطی، جلال الدین، الاتقان، بیروت، مؤسسء الكتاب السقافیه، ط ۳/۲۹۰ □ ۱
- ۶۲ - طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، زیل آیه مذکور
- ۶۳ - فصلنامه «بینات» سال اول، شماره دوم ۶۷/
- ۶۴ - قرآن ناطق ۲۶۶/
- ۶۵ - کتاب الحيوان ۷۶/
- ۶۶ - مجله نشر دانش سال ششم، شماره چهارم ۱۸/
- ۶۷ - تئوریهای ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب با همزمان ۲۸/
- ۶۸ - همان ۵۰/
- ۶۹ - سی سال ترجمه سی سال تجربه ۱۳۳/
- ۱/۷۰ - بیان در علوم و مسائل کلی قرآن ۶۵۸/

- ۷۲ - کتاب الحيوان ۷۸/
- ۷۱ - فصلنامه ترجمان وحی، سال اول، شماره دوم، بحثی درباره ترجمه قرآن مجید ۹/ و بیان در علوم و مسائل کلی قرآن ۶۵۸/
- ۷۲ - روش علمی در ترجمه و تفسیر قرآن مجید ۸۲/
- ۷۳ - کیهان فرهنگی، سال چهاردهم، شماره ۱۳۸، میزگرد قرآن و ترجمه ۸/
- ۷۴ - همان و بیان در علوم و مسائل کلی قرآن ۶۵۸/
- ۷۵ - مسند الامام احمد ابن حنبل، بیروت، دار صادر، ط (ندارد) جلد ۳/۱۴ و ۱۷ و ۲۶ و ۵۹ و جلد ۵/۱۸۲ و ۱۸۹
- ۷۶ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ط ۲، ج ۲۶/۱۰۵، ج ۲۵/۵ و ۲۹۸ و ج ۲۴/۱۲ و ج ۲۲/۱۵۰ و ج ۲۸/۱۵
- ۷۷ - کتا الحيوان ۷۶/
- ۷۸ - تشیهیکو ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی، دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فروزان، ط ۱/۸
- ۷۹ - همان، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار، ط ۵۰۶/ ۱۳۶۱ □ ۱
- ۸۰ - همان، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید ۴۲۳/ - ۴۲۴.
- ۸۱ - محمد عبدالغنی حسن، فن ترجمه در ادبیات عربی، ترجمه عباس عرب، انتشارات استان قدس رضوی، ط ۱/۵۱
- ۸۲ - مشهد، روزنامه قدس، ۸ آذر ۱۳۸۴، سال ۱۸ شماره ۵۱۵۲، گفت و گو با احمدپور (زبان شناس و مترجم) ۵/
- ۸۳ - فن ترجمه در ادبیات عربی ۵۰/
- ۸۴ - فصلنامه مترجم، سال ۱۴، شماره ۴۰، گفتگوی علی صلح جو با دکتر علی خزاعی فر ۶/۱۱
- ۸۵ - روزنامه قدس شماره ۵/ ۵۱۵۲
- ۸۶ - مجله نشر دانش، سال ۶، شماره چهارم ۲۲/
- ۸۷ - جاحظ، البیان و التبيين، تحقیق عبدالاسلام محمد هادون، دار الجیل، ط (ندارد) ۱/۳۲۸
- ۸۸ - کتاب الحيوان ۷۵-۸۶
- ۱/۸۹ و ۲/۸۹ و ۹۰ و ۹۱ - دکتر بوکای، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، انتشارات سلمان، ط (ندارد) ۱۷۰/ و ۲۸۰ و ۲۷۳ و ۲۸۵

- ۹۲ و ۹۳ - همان ۲۸۵ و ۲۸۰ تذکر: تغییر عبارت ناشی از این است که در نقل سخنان بوکای از ترجمه مهندس دبیر نیز استفاده شده است.
- ۹۴ - عبدالحمید دیاب و همکاران، مع الطب فی القرآن الکریم، دمشق، مؤسسه علوم القرآن، ط ۱/۸ / ۱۴۰۴ به نقل از قرآن ناطق / ۳۳ و خالد جلیبی، الطب محراب الایمان، دمشق، مؤسسه الرساله، ط ۱/۸ □ ۱۳۹۴
- ۹۵ - عهدین، قرآن و علم / ۱۶۷
- ۹۶ - کتاب الحیوان / ۷۶
- ۹۷ - مجله نشر دانش، سال ششم، شماره چهارم، نقش مترجم / ۲۱
- ۹۸ - بیان در علوم و مسایل کلی قرآن / ۶۵۸
- ۹۹ - فصلنامه مترجم، سال هشتم، شماره سی و یکم، علی خزاعی فر، لفظ گرایبی / ۵
- ۱۰۰ - مجله نشر دانش، سال ششم، شماره چهارم نقش مترجم / ۲۱
- ۱۰۱ - فصلنامه مترجم، سال هشتم، شماره بیست و نهم / ۱۸
- ۱۰۲ - فصلنامه مترجم، سال هشتم، شماره بیست و نهم، کارکرد گرایبی در ترجمه / ۵
- ۱۰۳ - فصلنامه مترجم، سال اول، شماره اول، تأملی در معیارهای ترجمه / ۱۶
- ۱۰۴ - مراجعه شود به: بیان در علوم و مسایل کلی قرآن / ۶۵۸ و فصلنامه ترجمان وحی، سال اول، شماره دوم / ۹ و روش علمی در ترجمه و تفسیر قرآن / ۸۰
- ۱۰۵ - فصلنامه ترجمان وحی، سال هفتم، شماره اول / ۷۸
- ۱۰۶ - الصحابی فی الفقه / ۴۱ به نقل از: اتقان البرهان فی علوم القرآن / ۳۰۰
- ۱۰۷ - کتاب الحیوان، ۱/۷۶
- ۱۰۸ - مجله نشر دانش، سال ششم، شماره چهارم / ۲۲
- ۱۰۹ - سی سال ترجمه سی سال تجربه / ۱۱
- ۱۱۰ - مجله نشر دانش، سال ششم، شماره چهارم / ۲۳
- ۱۱۱ - عهدین، قرآن و علم / ۲۷۵
- ۱۱۲ - سی سال ترجمه سی سال تجربه / ۱۸
- ۱۱۳ - روش علمی در ترجمه و تفسیر قرآن مجید / ۸۱
- ۱۱۴ - مراجعه شود به: هادی حجت، عیار نقد بر ترجمان وحی، تهران، فرهنگ گستر، ط ۱۳۷۹ و بهاء الدین خرمشاهی، قرآن پژوهی، مرکز نشر فرهنگی مشرق، ط اول / ۳۴۲ - ۴۵۷
- ۱۱۵ - ولی الله دهلوی، فتح الرحمن بترجمه القرآن، مقدمه ص الف، به نقل از: عیار نقد بر ترجمان وحی / ۶۲

۱۱۶ - قرآن ناطق / ۹۰

۱۱۷ - مجله نشر دانش، سال سوم، شماره اول ۹ و ۱۰ و فصلنامه ترجمان، سال اول، شماره دوم

۹/ و ۱۰، فصلنامه مترجم سال اول، شماره اول / ۱۶.